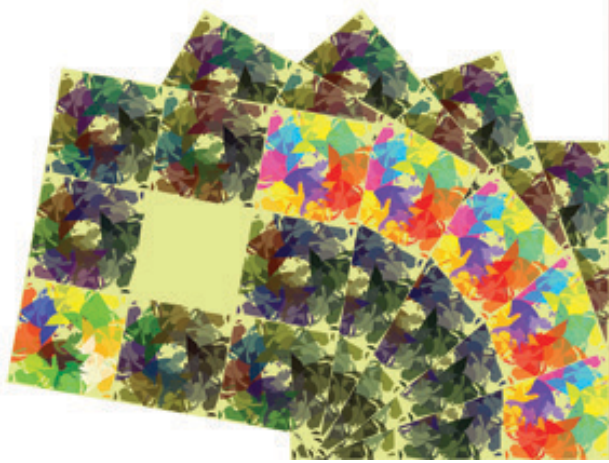


تفسیر المیزان

المیزان فی تفسیر القرآن

سورہ مبارکہ حمد

نوشتہ: علامہ فقید سید محمد حسین طباطبائی
ترجمہ: سید محمد باقر موسوی ہمدانی





نمایشگاه و فروشگاه دائمی آثار نشر پرنیان اندیش
هر کجای جهان هستید می‌توانید با مراجعه به نشانی اینترنتی زیر، نسخه‌ی قانونی آثار مورد نظر خود را
خریداری نمایید:

parnianandish.com

توفیق در کسب دانش، آگاهی و موفقیت پایدار، از مسیر درستی و صداقت می‌گذرد. هرگونه مطالعه و بهره‌برداری از آثار نشر پرنیان‌اندیش تنها با ذکر منبع و فقط برای خریدار و خانواده‌ی او یعنی والدین، خواهر، برادر، فرزندان و همسر وی مجاز می‌باشد. خریدار کسی است که بهای اثر مورد نظر خویش را

از طریق فروشگاه اینترنتی

به نشانی parnianandish.com پرداخت می‌نماید.

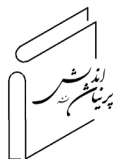
در صورتی که آثار به هر طریق دیگر به دست شخص برسد، می‌بایست نسخه‌ی قانونی را با پرداخت بهای آن از طریق نشانی فوق خریداری نماید. بدین ترتیب، امکان خدمت هر چه بیشتر در راه اعتلای فرهنگ ایران‌زمین و ادامه‌ی خلق آثار ارزشمند دیگری که هریک نیازمند تلاش فراوان و صرف زمان و هزینه‌های بسیار زیاد است، فراهم می‌گردد.

این اثر تحت حمایت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قرار داشته و بر اساس ماده‌ی ۲۳ این قانون، هر کس بدون اجازه‌ی کتبی تمام یا قسمتی از اثر را به نام خود، یا به نام پدیدآورنده و یا به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده مورد نشر یا پخش یا عرضه قرار دهد، به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

کلّیه‌ی حقوق این اثر به نشر پرنیان‌اندیش تعلق دارد.
هرگونه تخلف از سوی واحد حقوقی انتشارات مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

parnianandish.com

رسالت نشر پرنیان اندیش، پرورش فکر و رشد انسان ها است



تفسیر المیزان (المیزان فی تفسیر القرآن)

جلد نخست

سورہی مبارکہی حمد

نوشتہ: علامہی فقید سید محمد حسین طباطبائی

ترجمہ: سید محمد باقر موسوی ہمدانی

ویرایش و شرح: سپہر انصاری



انتشارات پرنیان اندیش

parnianandish.com

تفسیر المیزان (المیزان فی تفسیر القرآن) جلد نخست - سوره‌ی مبارکه‌ی حمد

نوشته: علامه‌ی فقید سید محمدحسین طباطبایی

ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی

ویرایش و شرح، طراحی جلد و امور فنی تولید: مهندس سپهر انصاری

طراح صفحات: مهندس عصمت گلزار

تعداد صفحات: ۱۱۶ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳۹-۶۰-۴

سرشناسه: طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰.

Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn

عنوان قراردادی: المیزان فی تفسیر القرآن. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: تفسیر المیزان (المیزان فی تفسیر القرآن) / نوشته سیدمحمدحسین

طباطبایی؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرنیان اندیش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۹۷۸۶۰-۸۲۳۹-۶۱-۱؛ ۹۷۸۶۰-۸۲۳۹-۶۰-۴ ج. ۱؛ ۹۷۸۶۰-۸۲۳۹-۶۰-۱ ج. ۲.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

مندرجات: ج. ۱: سوره مبارکه‌ی حمد. - ج. ۲: سوره‌ی مبارکه‌ی بقره (آیات ۱ تا ۲۵).

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- ۲۰th century

شناسه افزوده: موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹۰۴۱ م۲۵ ط BP۹۸/

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۲۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۶۲۸۵۹

نمایه

۱۳	مقدمه
۲۳	معنی تفسیر و تاریخچهی آن
۲۳	روش تفسیری طبقات نخست و دوّم مفسّرین
۲۵	روش تفسیری مُحدّثین
۲۷	روش مُتکلمین در تفسیر قرآن و فرق بین تفسیر و تطبیق
۲۸	روش فلاسفه مشاء و اشراقی و متصوفه در تفسیر قرآن
۳۰	تفسیر در قرن حاضر و تفسیر قرآن بر مبنای علوم طبیعی و اجتماعی
۳۱	نظر مسلمان‌نماهای پیرو این روش درباره‌ی روایات
۳۲	نقص و انحراف مشترک تمام مسلک‌های تفسیری یادشده
۳۳	عدم ابهام و اغلاق در مفاهیم آیات و منشاء اختلافات
۳۴	علّت سبقت (پیشی گرفتن) معانی مادی کلمات وضع شده به ذهن
۳۶	دلالت الفاظ موضوعه با تغییر شکل موضوع له تغییر نمی‌یابد
۳۷	جمود مقلّدین از اصحاب حدیث به ظواهر آیات و ردّ آنها
۳۸	دو راهی استفاده از علم برای درک حقایق قرآن و جمود به ظواهر آن
۳۹	دو روش برای فهم حقایق قرآن
۴۰	طریقه‌ی رسول خدا (ص) و ائمه‌ی اهل البیت (ع) در تفسیر قرآن
۴۲	فرمایشات پیامبر (ص) درباره‌ی قرآن کریم
۴۴	ویژگی تفسیر المیزان
۴۶	سوره‌ی حمد
۴۶	سبب ابتداء به بِسْمِ اللَّهِ
۴۷	آغاز با نام خدا، ادب و عمل را خدایی و نیک‌فرجام می‌کند

- ۴۹ عِلَّتْ اِبْتِدَايِ هِر سوره با بسم الله
- ۵۱ معنی و موارد استعمال لفظ (اسم)
- ۵۱ فرق میان اسم و اسم اسم و عِلَّتْ تَفْكِیْکِ مِیَان آن دو
- ۵۳ توضیح لفظ جلاله‌ی «الله»
- ۵۴ معنی رحمن و رحیم و فرق آن دو
- ۵۵ معنی حَمْد و فرق آن با مَدْح
- ۵۷ استشهاد بر این که جنس حَمْد و همهی حَمْد از آن خداست
- ۵۸ بیان این که خدا از حَمْد حامدان مُنَزَّه است؛ و دلیل آن
- ۶۰ معنی رَبِّ (مالک مُدَبِّر)
- ۶۰ معنی مالکیت و تقسیم آن به حقیقی و اعتباری
- ۶۱ مالکیت خدا حقیقی است و «مَلِک» حقیقی، جدا از تدبیر، متصور نیست
- ۶۲ معنی «عالمین»
- ۶۳ فرق بین مَالِک و مَلِک و این که قرائت «مَلِکِ یَوْمِ الدِّین» به نظر بهتر می‌رسد
- ۶۴ بحث روایتی
- ۶۶ دو روایت درباره‌ی «رحمان» و «رحیم» و سخنی پیرامون آن دو
- ۶۷ دو روایت در ارتباط با «الْحَمْدُ لِلَّهِ» از معصومین (ع)
- ۶۸ بحث فلسفی
- ۶۹ معنی عبادت
- ۷۰ فرق بین عِبُودِیَّتْ عِبَد در برابر مَوْلٰی و عِبُودِیَّتْ بندگان نسبت به خدا
- ۷۱ وجه تقدّم (دلیل پیشی گرفتن) مفعول در اِیَّاكَ نَعْبُدُ و اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ
- ۷۲ وجه التّفات (توجه) و تغییر سیاق (روش سخن) آیه‌ی اِیَّاكَ نَعْبُدُ؛
- ۷۳ شرایط کمال عبادت و اوصاف عبادت حقیقی
- ۷۴ دو جمله‌ی اِیَّاكَ نَعْبُدُ و اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ روی هم یک معنا را افاده می‌کند

- معنی صراط ۷۶
- چند مقدمه برای توضیح و تفسیر: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۷۶
- راه به سوی خدا دو گونه است؛ دور و نزدیک! ۷۷
- تقسیم دیگری برای راه به سوی خدا ۷۸
- ضَلَالَت (گمراهی)، شِرْكَت (شریک گرفتن) و ظلم در خارج ۸۰
- صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ صراطی است که شِرْكَ و ظلم در آن راه ندارد ۸۱
- اصحاب صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ به تمام معنا ثابت قدم هستند ۸۱
- اصحاب صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ، مقامی عالی تر از مؤمنین دارند ۸۲
- مواردِ اسْتِعْمَالِ (به کار بردن) صِرَاطِ و سَبِيلِ در قرآن؛ و فرق آن دو ۸۴
- فرق دیگری بین سَبِيلِ و صِرَاطِ ۸۵
- مَثَلِ صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ نسبت به سَبِيلِ های خدا، مَثَلِ رُوحِ است نسبت به بدن! ۸۶
- مَثَلِ از کلام خدا و تطبیق آن با مَانَعْنُ فِیهِ (مطلب حاضر) ۸۷
- معنی صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ با نتیجه گیری از مُقَدِّمَاتِ ذکر شده ۸۸
- خداوند سُنَّتِ و طَرِيقَهی مستقیم خود را غیر قابل تغییر معرفی می کند ۹۰
- پنج نکته درباره ی صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ ۹۱
- تحقیق درباره ی معنی هدایت در «اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» ۹۲
- جواب از اشکالی که به صاحب صحاح کرده اند ۹۳
- چکیده ی سخن در معنی هدایت ۹۴
- آیا طلب هدایت توسط نماز گزار، تحصیل حاصل نیست؟! ۹۵
- يَكُ مِثَالِ سَادَهٍ بَرَايَ رُوشَنِ شَدَنِ مَطْلَبِ ۹۷
- پاسخ عجیب برخی مفسّرین (تفسیر کنندگان قرآن) و اشکال وارد بر آنان ۹۷
- مزیّت اصحاب صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ بر سایرین به «علم» است ۱۰۰
- بحث روایتی (شامل روایاتی در ذیل آیات گذشته) ۱۰۰

- ۱۰۰ اقسام (گونه‌های) عبادت
- ۱۰۲ مدلول (محتوا) عبادت آزادگان در هر سه روایت مذکور به يك معناست
- ۱۰۳ معنی «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» و پاسخ ضمنی به شبهه‌ی تحصیلِ حاصل
- ۱۰۴ مُراد از «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»
- ۱۰۴ روایتی از رسول خدا (ص) درباره‌ی سوره‌ی حمد و فضیلت آن
- ۱۰۶ بیان ویژگی سوره‌ی حمد و مقایسه‌ی آن با نماز مسیحیان
- ۱۰۷ مقایسه‌ی سوره‌ی حمد با آنچه مسیحیان در نماز می‌خوانند
- ۱۰۹ سخن عجیب گوستاو لوبون
- ۱۰۹ بحث روایتی دیگر؛ چند روایت درباره‌ی مُراد از «صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ»
- ۱۱۰ توضیح اصطلاح «جَزَى»؛ یعنی تطبیق کلی بر مصداق بارز
- ۱۱۱ شأن نزول يك آیه، ذیل بر اختصاص آن آیه نیست؛

علامه سیدمحمدحسین قاضی طباطبایی تبریزی (زاده‌ی ۱۲۸۱ تبریز - درگذشته‌ی ۲۴ آبان ۱۳۶۰ قم) معروف به علامه طباطبایی، روحانی سرشناس، فیلسوف عظیم‌الشأن و نویسنده‌ی پرتلاش و ژرف‌اندیش ایرانی، از مراجع تقلید بزرگ شیعه و از مُدرّسان صاحب‌نام حوزه‌ی علمیّه‌ی قم به‌شمار می‌آمد.

دوره‌ی کودکی و نوجوانی وی در تبریز سپری شد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدر خود را از دست داد. وصی پدرش، او و تنها برادرش محمدحسن‌اللهی طباطبایی را برای تحصیل به مکتب فرستاد. تحصیلات ابتدایی شامل قرآن و کتب ادب پارسی را فرا گرفت، سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت. علاوه بر آموختن ادبیات، زیر نظر میرزا علی‌نقی خطّاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت. تحصیلات ابتدایی نتوانست به ذوق سرشار و علاقه‌ی وافر او پاسخ گوید، بنابراین به مدرسه‌ی طالبیّه‌ی تبریز رفت و به فراگیری ادبیّات عرب، علوم نقلی، فقه و اصول پرداخت و به مطالعه‌ی در زمینه‌های گوناگون دانش اسلامی سرگرم شد.

خودِ علامه از دوران تحصیل چنین یاد می‌کند: « در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه‌ی زیادی به ادامه‌ی تحصیل نداشتم و از این‌رو هرچه می‌خواندم، نمی‌فهمیدم و چهار سال به‌همین نحو گذراندم. پس از آن یک‌باره عنایت خدایی دامن‌گیرم شده، عوض کرد و در خود یک نوع شیفتگی و بی‌تابی نسبت به تحصیل کمال، حس نمودم. به‌طوری‌که از همان روز تا پایان ایام تحصیل که تقریباً هفده سال طول کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر درک خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش نموده و تلخ و شیرین حوادث، برابر می‌پنداشتم. بساط معاشرت غیر اهل علم را به‌کلی برچیدم.

در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی، به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم. بسیار می‌شد، به ویژه در بهار و تابستان، که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می‌گذراندم و همیشه درس فردا را شب پیش مطالعه می‌کردم و اگر اشکالی پیش می‌آمد، با هر خودکشی بود، حل می‌نمودم و وقتی که به درس حضور می‌یافتم، از آن‌چه استاد می‌گفت قبلاً روشن بودم و هرگز اشکال و اشتباه درس را پیش استاد نبردم.»

او همچنین همراه برادرش به نجف رفت و ده سال نیز در نجف به تحصیل علوم دینی مشغول شد. در این دوره، علوم ریاضی را نزد سیدابوالقاسم موسوی خوانساری نوهی سیدابوالقاسم خوانساری و فقه و اصول را نزد استادانی نظیر محمدحسین نایینی و محمدحسین غروی اصفهانی فراگرفت. استاد وی در فلسفه، حکیم متأله، سیدحسین بادکوبه‌ای بود. همچنین معارف الهیه، تفسیر قرآن به قرآن، حکمت و فلسفه، عرفان، اخلاق و فقه‌الحديث را نزد سیدعلی قاضی طباطبایی آموخت. او در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بود، به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعی‌شان در تبریز به‌دست می‌آمد، مجبور به بازگشت به ایران شد و مدت ده سال پس از آن را در روستای شادآباد تبریز به پیشه‌ی زراعت و کشاورزی روزگار گذراند. درباره‌ی این دوره از حیات پُربار این استاد بزرگ دین و علوم اسلامی، فرزندش سیدعبدالباقی طباطبایی چنین می‌گوید: «خوب به یاد دارم که پدرم دائماً و در تمام طول سال مشغول فعالیت بود و کارکردن ایشان در فصل سرما حین ریزش باران و برف‌های موسمی، درحالی‌که چتر به دست گرفته یا پوستین به دوش داشتند، امری عادی تلقی می‌گردید. در مدت ده سال پس از مراجعت علامه از نجف به روستای شادآباد و به دنبال فعالیت‌های مستمر ایشان، قنات‌ها لایروبی و باغ‌های مخروطه تجدید خاک و اصلاح درخت شده و در عین حال چند باغ

جدید احداث گردید و یک ساختمان بیلاقی هم داخل روستا جهت سکونت تابستانی خانواده ساخته شد. در محل زیرزمین خانه نیز حمامی به سبک امروزی بنا نمود. طبقه‌ی زیر این اتاق‌ها انبار آب شُرب منزل بود که در صورت لزوم، بایستی به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پر می‌کردیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود، پخت‌وپز هم در داخل اتاق انجام می‌گرفت. درحالی‌که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) ۲۴ متر مربعی و ۳۵ متر مربعی عادت کرده بود، که در میهمانی‌های بزرگ از آن‌ها به راحتی استفاده می‌کرد. پدر ما در شهر قم چند آشنای انگشت‌شمار داشت که یکی از آن‌ها سیدمحمدحجت کوه‌کمری بود. نخستین رفت‌وآمد علامه به منزل آقای حجت بود و کم‌کم با اطرافیان ایشان دوستی برقرار و رفت‌وآمد آغاز شد.

علامه طباطبایی هنگام ورود به قم به قاضی معروف بود، اما چون از سلسله‌ی سادات طباطبایی هم بود، خود ترجیح داد به طباطبایی معروف شود. با ظاهری ساده، عمّامه‌ای کوچک و قبایی از جنس کرباس آبی رنگ و دکمه‌های باز قبا و بدون جوراب، با لباس کمتر از معمول در کوچه‌های قم تردد داشت و خانه‌ی بسیار محقّر و ساده‌ای داشت. باز داستان زندگی در قم را از زبان فرزند این بزرگوار چنین می‌خوانیم: «همزمان با آغاز سال ۱۳۲۵ خورشیدی وارد شهر قم شدیم. در آغاز به منزل یکی از بستگان که ساکن قم و مشغول تحصیل علوم دینی بود وارد شدیم، ولی به‌زودی در کوچه‌ی یخچال قاضی، در منزل یکی از روحانیان، اتاقی دو قسمتی که با نصب پرده قابل تفکیک بود، اجاره کردیم. این دو اتاق قریب بیست مترمربع بود.»

از رویدادهای مهم حیات فکری علامه طباطبایی در دوره‌ی زندگی در قم، حضور هانری گُربِن در ایران و ملاقات با علامه طباطبایی در قم و تهران است. این ملاقات‌ها سبب شکل‌گیری حلقه‌ی فلسفی مهمّی در آن دوران شد. به همّت

کربن، بسیاری از فلاسفه‌ی بعدی ایران معاصر، به همراه او در محضر علامه طباطبایی به فلسفه‌آموزی و طرح و درک مباحث عمیق فلسفی پرداختند. کربن فیلسوفی هایدگری بود که در پی پاسخ‌های بی‌جواب خود، در نهایت سر از ایران درآورده بود تا در حضور علامه طباطبایی به‌عنوان مفسر فلسفه‌ی شیعی، پاسخ‌هایی برای پرسش‌های بی‌جواب خود بیابد. خود کربن اذعان داشت که علامه پاسخ‌های دقیق و قانع‌کننده‌ای به او می‌داده‌است.

کربن هنگامی که به ایران آمد، با بسیاری از استادان ایرانی ارتباط برقرار نمود. با این حال، علاقه‌ی کربن بیشتر در جهت ارتباط با اساتیدی بود که به ادبیات، هنر و فلسفه‌ی ایرانی می‌پرداختند و نه افرادی که تحت عنوان «روشنفکر» شناخته می‌شدند؛ بیشتر هم از میان کسانی بودند که مدتی در غرب به تحصیل پرداخته بودند. کربن به شکلی عمیق باور داشت که حکمت ایرانی - اسلامی، حکمتی زوال‌ناپذیر است و همواره از «استعداد زوال‌ناپذیر روحیه‌ی ایرانی» سخن می‌گفت.

علامه طباطبایی، خود درباره‌ی مذاکراتش با کربن می‌گوید: «بنا به گفته‌ی کربن، تاکنون مستشرقان، اطلاعات مربوط به اسلام را از اهل تسنن اخذ می‌کردند و در نتیجه، حقیقت مذهب تشیع آن‌گونه که شایسته است، به دنیای غرب معرفی نشده است. بر خلاف باور مستشرقین گذشته، اعتقاد من این است که تشیع یک مذهب حقیقی و اصیل و پابرجاست و دارای مشخصات یک مذهب حقیقی است و غیر از آن است که به غرب معرفی کرده‌اند. آنچه پس از پژوهش‌های علمی بدان رسیده‌ام، این است که به حقایق معنویت اسلام، از دریچه‌ی شیعه - که نسبت به این آیین واقع‌بینی دارد - باید نگاه کرد. از این‌رو کوشیده‌ام این مذهب را به‌نحوی که باید و درخور واقعیت آن است، به جهان غرب معرفی کنم. بسیار علاقه‌مندم که با رجال علمی و مشاهیر این مذهب از نزدیک تماس بگیرم

و با طرز فکر آنان آشنا شوم و در بررسی اصول و مبانی شیعه، از این بزرگان کمک گرفته و نسبت به هدف خود روشن‌تر شوم.»

اهمیتی که تلاش‌های علمی علامه محمدحسین طباطبایی داشت، به جهت زنده‌کردن حکمت، فلسفه و تفسیر در حوزه‌های گوناگون تشیع پس از دوره‌ی صفویه بوده‌است. به‌ویژه این‌که وی، به بازگویی و شرح حکمت صدرایی بسنده نکرده، به تأسیس معرفت‌شناسی در این مکتب پرداخت. همچنین با انتشار کتب فراوان و تربیت شاگردان، در دوران مواجهه با اندیشه‌های غربی، نظیر مارکسیسم، به اندیشه‌ی دینی حیاتی دوباره بخشید و حتی در نشر آن در مغرب‌زمین نیز کوشید. دو اثر شاخص علامه طباطبایی بیش از دیگر آثار وی مورد توجه قرار گرفته‌است؛ نخست، کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که دربردارنده‌ی چهارده مقاله‌ی فلسفی است و طی دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ خورشیدی نگاشته شد. این اثر که به کوشش شهید مرتضی مطهری با رویکرد فلسفه‌ی تطبیقی شرح داده شده، نخستین و یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که به بررسی مباحث فلسفی، با توجه به رویکردهای حکمت فلسفی اسلامی و فلسفه‌ی جدید غربی پرداخته‌است.

دومین اثر، تفسیر المیزان است که در اصل در ۲۰ جلد و طی ۲۰ سال به زبان عربی تألیف گردید. نویسنده در این تفسیر، از روش تفسیر قرآن به قرآن بهره برده است. همچنین علاوه بر تفسیر آیات و بحث‌های لغوی، در بخش‌هایی جداگانه با توجه به موضوع آیات به مباحث روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی و اجتماعی نیز می‌پردازد. این اثر که تاکنون به شکل‌های گوناگون و به‌صورتی گسترده چاپ و منتشر گردیده، به‌صورت یکپارچه توسط سید محمدباقر موسوی‌همدانی از عربی به پارسی برگردانده شده‌است.

دیگر آثار علامه طباطبایی به زبان عربی از این قرار است: کتاب توحید که شامل سه رساله است؛ توحید، اسماء الله، افعال الله. کتاب انسان که شامل سه رساله است؛ الانسان قبل الدنيا، الانسان في الدنيا، الانسان بعد الدنيا. کتاب رساله‌ی سائنط. همگی این رساله‌ها در یک مجلد جمع‌آوری شده و به نام کتاب هفت رساله نیز معروف است. کتاب‌های رساله‌الولایه، رساله‌النّبوه‌والامامه، و نیز کتب بدایه‌الحکمه و نهایه‌الحکمه که از متون درسی فلسفی حوزه و دانشگاه به‌شمار می‌رود از دیگر آثار وی می‌باشد.

آثار این علامه‌ی فرزانه به زبان پارسی از این قرار است: شیعه در اسلام، قرآن در اسلام که به بحث درباره‌ی مباحث قرآنی از جمله نزول قرآن، آیات و غیره پرداخته، وحی یا شعور مرموز، اسلام و انسان معاصر، حکومت در اسلام، سنن‌النبی درباره‌ی سیره و خُلق و خوی پیامبر اسلام و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ایشان، علی و فلسفه‌ی الهی، خلاصه‌ی تعالیم اسلام، رساله در حکومت اسلامی و نسب‌نامه‌ی خاندان طباطبایی.

آثار دیگری نیز از وی در دست است. از آن جمله‌اند: حاشیه بر کفایه که کتابی اصولی پیرامون قوانین استنباط است. مجموعه‌ی مذاکرات علامه با پروفسور هانری کربن که پژوهشگر شهیر فرانسوی بود و پیرامون چگونگی شیعه و مباحث اعتقادی، مذاکراتی با علامه داشت. شیعه در اسلام که برای معرفی عقاید شیعه به‌طور عقلانی نوشته شده است. ولایت‌نامه که رساله‌ای عرفانی از وی است.

از شاگردان علامه طباطبایی می‌توان به مرتضی‌مطهری، حسین شب‌زنده‌دار، جهرمی، محمدجواد باهنر، محمد واعظزاده خراسانی، سیدمرتضی جزایری، محمدتقی مصباح‌یزدی، موسی صدر، داریوش شایگان، عبدالله جوادی‌آملی، سیدمحمدحسینی‌بهشتی، حسن حسن‌زاده‌آملی، محمود امجد، سیدعبدالله

فاطمی نیا، عزیزالله خوشوقت، غلامحسین ابراهیمی دینانی، سیدعزالدین حسینی زنجانی، محمدرضا نکونام، محمد محمدی گیلانی، محمد صادقی تهرانی، سیدجلال الدین آشتیانی، علی قدوسی، اسدالله بیات زنجانی، محمد مفتاح، محمد اسماعیل صائنی زنجانی، ابراهیم امینی، دکتر جواد مناقبی، یحیی انصاری، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، سیدمحمدعلی موحّد ابطحی، حسین علی منتظری، سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، علی پهلوانی تهرانی، ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، سیدعلی خامنه‌ای، سیدمحمدخامنه‌ای، سیدحسین نصر، حسین مظاهری، علی اصغر کرباسچیان، محمدرضا مهدوی کنی، محمدکریم پارسا، محسن مجتهدشبهستری، عباس محفوظی، سیدصابر جبّاری، سیدمحمد شاهچراغی، سیدمحمدضیاءآبادی، مجتبی تهرانی، علی الهامی کلوانق، ابراهیم انصاری و خوئینی زنجانی اشاره داشت.

سروده‌ی زیر نمونه‌ای مشهور از سروده‌های عرفانی اوست که در ادامه می‌آید. در این سروده تنها یک واژه‌ی غیرپارسی (حلاج) وجود دارد.

همی گویم و گفته‌ام بارها

بُود کیش من مهر دلدارها

پرستش به مستی‌ست در کیش مهر

بروند زین حلقه هُشیارها

به شادی و آسایش و خواب و خور

ندارند کاری دل‌افگارها

به جز اشک چشم و به جز داغ دل

نباشد به دستِ گرفتارها

کشیدند در کوی دلدادگان

میان دل و کام دیوارها

چه فرهادها مُرده در کوه‌ها
چه حلاج‌ها رفته بر دارها
چه دارد جهان جز دل و مهرِ یار
مگر توده‌هایی ز پندارها
ولی رادمردان و وارستگان
نیازند هرگز به مردارها
مهین مهرورزان که آزاده‌اند
بُریدند از دام جان تارها
به خون خود آغشته و رسته‌اند
چه گل‌های رنگین به جویبارها
بهاران که شاباش ریزد سپهر
به دامان گلشن ز رگبارها
کشد رخت سبزه به هامون و دشت
زند بارگه گل به گلزارها
نگارش دهد گلبن جویبار
در آینه‌ی آب، رخسارها
رود شاخ گل در بر نیلوفر
برقصد به صد ناز، گلنارها
درد پرده‌ی غنچه را بادِ بام
هزار آورد نغزگفتارها
به آوای نای و به آهنگ چنگ
خروشند ز سرو و سمن تارها
به یاد خم ابروی گل‌رخان

بکش جام در بزم می خوارها
گره را ز راز جهان باز کن
که آسان کند باده دشوارها
جز افسون و افسانه نبود جهان
که بسته است چشم خشایارها
به اندوه آینده خود را مباز
که آینده خوابی ست چون پارها
فرب جهان را مخور زینهار
که در پای این گل بود خارها
پیاپی بکش جام و سرگرم باش
بهل گر بگیرند بیکارها

نشر پرنیان اندیش به دلیل ضرورت نشر هرچه بیشتر آثار این علامه‌ی بزرگ و دانشمند کم‌نظیر عالم اسلام، به پاس خدمات ارزشمند او به گسترش دین و اعتلای بیش از پیش مذهب تشیع، با هدف آشنایی گسترده‌تر عموم مردم به‌ویژه جوانان ایران اسلامی، این اثر را ضمن ویرایش دوباره و کامل، با افتخار منتشر نموده است. با درود به روان پاک بزرگ‌مردان فاضلی که بر نگارش و ترجمه‌ی این اثر ارزشمند و انسان‌ساز کمر همت بستند، امیدواریم همگان از برکات نشر این اثر سترگ و تلاش این انتشارات در عرصه‌ی گسترش حکمت و اندیشه‌ی اسلامی بهره‌ی وافر ببرند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معنی تفسیر و تاریخچه‌ی آن

الحمد لله الذي انزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً، والصلوة على من جعله شاهداً و مُبشراً و نذيراً، و داعياً الى الله باذنه و سراجاً مُنيراً و على آله الذين اذهب عنهم الرجس، و طهرهم تطهيراً.

در این مقدمه روشی را که ما در این کتاب در بحث و جست‌وجو از معانی آیات قرآن کریم اتخاذ نموده‌ایم، برای خواننده معرفی می‌کنیم.

نخست، باید بگوییم: تفسیر که به معنای بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن است، از قدیمی‌ترین اشتغالات علمی است که دانشمندان اسلامی را به خود جلب و مشغول کرده است و تاریخ این نوع بحث که نامش تفسیر است، از عصر نزول قرآن شروع شده؛ این معنا از آیه‌ی ۱۵۱ سوره‌ی بقره: *كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ* (همچنان‌که در شما رسولی از خود شما فرستادیم، تا بر شما بخواند آیات ما را، و تزکیه‌تان کند، و کتاب و حکمتتان بیاموزد) به‌خوبی استفاده می‌شود، چون پس از آن می‌فرماید: همان رسولی که کتاب قرآن به او نازل شد، آن کتاب را به شما تعلیم می‌دهد.

روش تفسیری طبقات نخست و دوم مفسرین

طبقه‌ی نخست از مفسرین اسلام، جمعی از صحابه بودند، (که البته مراد ما از صحابه، غیر علی (ع) و ائمه‌ی اهل بیت (ع) هستند، برای این‌که درباره‌ی آن حضرت سخنی جداگانه داریم، که به‌زودی از نظر خواننده می‌گذرد)؛ مانند ابن عباس، و عبدالله بن عمر، ابی و غیر ایشان که دامن همّت به کمر زده و دنبال این کار را گرفتند.